

A Behavioral Reading of the Verse of "the Wish for Death" (Q 62:6) Concerning the Jews within the Theoretical Framework of Olson's Collective Action Theory*

✉ **Nematollah Firoozi**  / Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran
firoozi@imamreza.ac.ir

Houra Badri / MA Student in Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran
hoora.badri@imamreza.ac.ir

Received: 2025/12/04 - **Accepted:** 2026/01/27 - **Published:** 2026/06/08

Abstract

This study analyzes the concept of "the wish for death" (*tamannā al-mawt*) in verse 6 of *Sūrat al-Jumu'a* and elucidates the reasons for the Jews' refusal to accept this Qur'anic challenge. The aim is to re-read the verse within an interdisciplinary framework utilizing Olson's theory of "collective action." The central problem is why the Jews defied this demand despite their claim to "exclusive guardianship" (*wilāya*). The research employs an analytical-comparative approach with a combined method (exegetical, historical, and theory-driven). The findings indicate that "the wish for death" can be formulated along four axes: 1. An instrument for measuring attachment to the world and purity of intention; 2. A divine test for evaluating true faith and its connection to righteous action; 3. A critical approach in confronting claims of superiority and exclusivism; 4. A manifestation of *mubāhala* for exposing unfounded claims. In Olson's theory, the Jews' refusal to wish for death is an instance of "free-riding" and "individual rational calculation" vis-à-vis collective costs; the Qur'an, by raising the cost of the claim to guardianship to the level of life itself, reveals the hidden logic of their collective behavior. "The wish for death," beyond theological challenges, serves as an analytical tool for examining the behavior of religious groups—a novel and interdisciplinary reading of the Qur'an in conjunction with modern social science theories.

Keywords: Wish for Death, Q 62:6, Collective Action Theory, Free-Riding, Public Good, Exegeses of the Two Sects.

*This paper was presented at the international conference "Islamic Humanities:

In Commemoration of Allamah Mohammad Taqi Mesbah Yazdi."



Copyright: © 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



10.22034/marefateadyan.2026.5003358

نوع مقاله: پژوهشی

خوانش رفتاری آیه «تمنای موت» یهود در چارچوب نظریه اقدام جمعی اولسون*

نعمت‌الله فیروزی  / استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد مقدس، ایران
firoozi@imamreza.ac.ir

حورا بدری / دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد مقدس، ایران
hoora.badri@imamreza.ac.ir دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ - انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

چکیده

این پژوهش به تحلیل مفهوم «تمنای موت» در آیه ۶ سوره جمعه و تبیین علل امتناع یهود از پذیرش این چالش قرآنی می‌پردازد. هدف، بازخوانی آیه در چهارچوبی میان‌رشته‌ای با بهره‌گیری از نظریه «اقدام جمعی» اولسون است. مسئله اصلی، چرایی سرپیچی یهودیان از این خواست با وجود ادعای «ولایت انحصاری» است. پژوهش با رویکردی تحلیلی - تطبیقی با روش ترکیبی (تفسیری، تاریخی و نظریه‌محور) انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند «تمنای موت» در چهار محور قابل صورت‌بندی است: ۱. ابزاری برای سنجش وابستگی به دنیا و خلوص نیت؛ ۲. آزمونی الهی برای ارزیابی ایمان واقعی و پیوند آن با عمل صالح؛ ۳. رویکردی انتقادی در مواجهه با ادعاهای برتری‌جویانه و انحصارطلبی؛ ۴. تجلی مباحله برای افشای ادعاهای فاقد پشتوانه. در نظریه اولسون، امتناع یهود از تمنای مرگ، مصداق «سواری مجانی» و «محاسبه عقلانی فردی» در برابر هزینه‌های جمعی است؛ قرآن با افزایش هزینه ادعای ولایت تا حد جان، منطق پنهان رفتار جمعی آنان را آشکار می‌کند. «تمنای موت»، فراتر از چالش‌های کلامی، به مثابه ابزاری تحلیلی برای بررسی رفتار گروه‌های دینی، خوانشی نوین و میان‌رشته‌ای از قرآن در پیوند با نظریه‌های مدرن علوم اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: تمنای موت، آیه ۶ سوره جمعه، نظریه اقدام جمعی، سواری مجانی، کالای عمومی، تفاسیر فریقین.

* این مقاله در همایش بین‌المللی «علوم انسانی اسلامی بزرگداشت علامه محمدتقی مصباح یزدی (ع)» ارائه شده است



Copyright: © 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

doi 10.22034/marefateadyan.2026.5003358

مقدمه

مطالعه رفتار جمعی گروه‌های دینی در قرآن کریم عرصه‌ای پر بار برای به کارگیری چهارچوب‌های نظری علوم اجتماعی نوین است. یکی از موارد شاخص، مواجهه قرآن با «ادعای دوستی انحصاری» قوم یهود و واکنش آنان در برابر چالش «تمنای موت» در آیه «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (جمعه: ۶) است. منطبق بر نظریه «اقدام جمعی» مانکور اولسون، رفتار گروه‌ها نه بر اساس منافع جمعی محض، که بر پایه محاسبه عقلانی فردی برای حداکثرسازی سود شخصی و حداقل‌سازی هزینه‌ها تبیین می‌شود. اولسون با معرفی مفهوم «سواری مجانی» استدلال می‌کند که در پیگیری «کالای عمومی» (مانند منزلت اجتماعی یا پاداش اخروی)، افراد ترجیح می‌دهند که بدون پرداخت هزینه‌ای (مانند ایثار، فداکاری یا خطر کردن)، از منافع آن بهره‌مند شوند.

این پژوهش با الهام از این نظریه، مسئله اصلی خود را واکاوی علل امتناع یهود از «تمنای موت» قرار داده است. یهودیان مدینه با ادعای بهره‌مندی از «ولایت الهی» به عنوان یک «کالای عمومی انحصاری» برای قوم خود، در پی کسب منزلت و امتیازات اجتماعی بودند. قرآن با طرح چالش «تمنای موت»، آنان را در معرض یک «آزمون هزینه - فایده» عینی قرار می‌دهد. مبتنی بر این، مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارت‌اند از: ۱. تبیین ادعای یهود مبنی بر «ولایت» به مثابه یک «کالای عمومی» از منظر اولسون؛ ۲. تحلیل «تمنای موت» به عنوان یک «آزمون هزینه - فایده» برای افشای تضاد بین منافع جمعی ادعا شده و محاسبات عقلانی فردی. پاسخ به این مسئله، علاوه بر درک عمیق سازوکارهای قرآنی در مواجهه با ادعاهای کاذب، الگویی برای تحلیل رفتار جمعی گروه‌های دینی در تاریخ صدر اسلام با ابزارهای علم اقتصاد سیاسی ارائه می‌دهد.

در همین زمینه، پیشینه پژوهش در دو دسته کلی قابل بررسی است:

۱. مطالعات قرآنی و تفسیری با موضوع «تمنای موت»: پژوهش‌های شاخصی مانند تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴) و المیزان (طباطبائی، ۱۳۷۸) با تمرکز بر جنبه‌های کلامی و اخلاقی آیه، «تمنای موت» را به عنوان آزمونی برای سنجش خلوص نیت و وابستگی به دنیا تحلیل کرده‌اند. همچنین پژوهش‌هایی چون «نقد و بررسی ادعای برتری یهود» (فخاری و ابراهیمی، ۱۳۹۴) به ابعاد تاریخی این مواجهه پرداخته‌اند. با وجود غنای تحلیلی این آثار، رویکرد آنها عمدتاً در چهارچوب سنتی تفسیر باقی مانده و فاقد چهارچوب نظری نظام‌مند برای تبیین علل ساختاری رفتار جمعی یهود است. این پژوهش‌ها به «چرایی» امتناع یهود در سطح فردی پاسخ می‌دهند؛ اما «چگونگی» عملکرد آنان را در قالب یک گروه با محاسبات عقلانی توضیح نمی‌دهند. مطالعاتی همچون «تحلیل قرآن‌شناختی خودبرتری‌بینی یهود» (فراتی و لطفی، ۱۳۹۷) به مقایسه

دیدگاه‌های مفسران فریقین پرداخته و وجوه اشتراک آنان در نقد انحصارگرایی دینی را نشان داده‌اند. این تحقیقات، با اینکه به تطبیق آرا پرداخته‌اند، از ابزارهای تحلیلی علوم اجتماعی برای فهم سازوکارهای جامعه‌شناختی این رفتار بهره نچسته‌اند.

۲. مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم اجتماعی: این حوزه شاهد ظهور آثاری نوآورانه بوده است. برخی پژوهش‌های جدید با بهره‌گیری از چهارچوب‌های اقتصاد سیاسی و نهادگرایی تاریخی، به بازخوانی تحولات جوامع اسلامی پرداخته‌اند؛ از جمله مقاله «دین و فراز و فرود علم در جهان اسلام» (Religion and the Rise and Fall of Islamic Science)، اثر اریک چانوی (۲۰۱۶)، که به تحلیل داده‌های اجتماعی در دوره‌ای از تاریخ اسلام در پیوند با تحولات نهادی پرداخته است. بااین حال هیچ یک از این پژوهش‌ها به صورت خاص و نظام‌مند نظریه اقدام جمعی اولسون را برای تحلیل آیه ۶ سوره جمعه و تبیین منطق رفتاری یهود به کار نگرفته‌اند. بر این اساس، تلفیق روش‌های کیفی تفسیری با چهارچوب کمی‌نگر اقتصاد سیاسی برای دستیابی به تحلیلی جامع‌تر و ارائه خوانشی عقلانی - اقتصادی از یک واقعه قرآنی فراتر از تحلیل‌های تاریخی یا کلامی متداول، از وجوه تمایز اصلی پژوهش حاضر است. نظریه اولسون علل ساختاری امتناع یهود (مانند معضل سواری مجانی در گروه‌های بزرگ) را توضیح می‌دهد که مکمل تبیین‌های مفسران بر اساس «دنیاخواهی» و «نفاق» است. از سوی دیگر، مفهومی کردن «ولایت انحصاری» به مثابه یک «کالای عمومی» و «تمنای موت» به عنوان یک «آزمون هزینه - فایده» است که منطق درونی ادعای یهود را آشکار می‌سازد.

۱. چهارچوب نظری و روش پژوهش

چهارچوب اصلی پژوهش، تلفیق نظریه اقدام جمعی اولسون و الهیات قرآنی در تحلیل رفتار دینی، با مطالعه موردی «تمنای موت» در آیه ۶ سوره جمعه است. در این پژوهش، ابتدا با تتبع جامع تفاسیر معتبر فریقین، یافته‌های تفسیری استخراج و تحلیل شد؛ سپس این یافته‌ها با گزاره‌ها و ساختارهای نظریه اقدام جمعی اولسون تطبیق داده شدند و از خلال فرایند تخلیقی، مفاهیمی نو (مانند «ادعای ولایت» به مثابه «کالای عمومی انحصاری» و «چالش تمنای موت» به عنوان لوازم منطقی ادعا) بازتعریف و منطبق گردید؛ و سرانجام یک الگوی مفهومی یکپارچه ارائه شد.

این مطالعه در چهارچوب کلان نظریه انتخاب عقلانی قرار می‌گیرد. این نظریه فرض می‌کند که کنشگران اجتماعی (اعم از فرد یا گروه)، موجوداتی‌اند که در پی حداکثر کردن مطلوبیت و تقلیل هزینه‌های عمل خود هستند. تصمیمات آنان بر اساس محاسبه سود و زیان و با در نظر گرفتن ترجیحات شخصی صورت می‌پذیرد (Olson, 1965, p.1-2 & 13; Coleman, 1990, p.309-310). از این منظر، حتی اگر تمام اعضای گروه

از تحقق یک هدف مشترک (مانند یک سیاست بهتر، دستمزد بالاتر، یا یک باور دینی انحصاری) نفع ببرند، بازهم هر فرد انگیزه دارد که از پرداخت هزینه‌های دستیابی به آن هدف شانه خالی کند؛ چراکه در صورت موفقیت گروه، او به‌هرحال - حتی بدون پرداخت هزینه - از منافع آن بهره‌مند خواهد شد. این پدیده، که هسته مرکزی نظریه اوست، «معضل سواری مجانی» نامیده می‌شود (Olson, 1965, p.21).

اولسون برای تبیین این معضل، به تشریح مفهوم «کالای عمومی» می‌پردازد. برای مثال، «هوای پاک» یک کالای عمومی است. اولسون استدلال می‌کند که در گروه‌های بزرگ، افراد انگیزه‌ای برای مشارکت داوطلبانه در تولید چنین کالایی ندارند؛ زیرا می‌توانند بدون هیچ هزینه‌ای از نتایج تلاش دیگران «سواری مجانی» بگیرند. در نتیجه، کالاهای عمومی در گروه‌های بزرگ، ذاتاً با کم‌تأمینی مواجه می‌شوند (Olson, 1965, p.35). راه حل اولسون برای غلبه بر معضل اقدام جمعی، معرفی مفهوم «انگیزه‌های انتخابی» است (Olson, 1965, p.51). این انگیزه‌ها می‌توانند ملموس باشند، مانند پول، کالا یا خدمات؛ یا ناملموس باشند، مانند منزلت اجتماعی، احترام یا تنبیه (Olson, 1965, p.60). اولسون نتیجه می‌گیرد که اقدام جمعی موفقیت‌آمیز، بر پایه وجود نهادها یا سازوکارهایی است که بتوانند این انگیزه‌های انتخابی را به‌طور مؤثر ارائه یا اعمال کنند. این چهارچوب تحلیلی، ابزاری قدرتمند برای فهم رفتار گروه‌ها در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی دینی فراهم می‌آورد (Olson, 1965, p.133-134).

۱-۱. پیوند چهارچوب نظری با موضوع پژوهش (الگوی تحلیلی تلفیقی)

این پژوهش با تلفیق نظریه اولسون (از علوم اجتماعی) با مفاهیم کلامی و تفسیری قرآن، یک الگوی تحلیلی نوین ارائه می‌دهد. در همین راستا، نحوه تطبیق نظریه بر آیه شریفه بدین نحو است:

الف) ادعای یهود (أُولَیَآءَ لِّلَّهِ): ادعای دسترسی به یک کالای عمومی انحصاری (برگزیدگی، پاداش اخروی قطعی، منزلت اجتماعی).

ب) چالش قرآن (فَتَمَنَّوْاْ الْمَوْتَ): تبدیل این ادعا به یک آزمون هزینه - فایده عینی. این چالش، هزینه عضویت در گروه «ادعایی» برگزیدگان را تا حد نهایی (جان) افزایش می‌دهد.

ج) هزینه: از دست دادن زندگی دنیوی (قطعی و فوری).

د) نتیجه محاسبه: ظاهراً هیچ فرد عقلانی حاضر به پرداخت چنین هزینه سنگینی برای یک منفعت جمعی نامطمئن نیست. بنابراین ترجیح می‌دهد که سواری مجانی بگیرد؛ یعنی بدون پرداخت هزینه «مرگ»، همچنان از مزایای اجتماعی ادعای «ولایت» بهره‌مند بماند.

۲. مفهوم‌شناسی

علاوه بر مباحث یادشده، برخی مفاهیم کلیدی که ستون فقرات تحلیلی پژوهش را تشکیل می‌دهند، عبارت‌اند از:

۲-۱. کالای عمومی

کالا یا منفعتی است که استفاده یک فرد از آن استفاده دیگران را کاهش نمی‌دهد (غیررقابتی) و نمی‌توان افراد را از استفاده از آن منع کرد (غیرقابل استثنا) (Olson, 1965, p.14-15). در این پژوهش، ادعای «دوستی انحصاری» و «پاداش اخروی ویژه» توسط یهودیان مدینه، به مثابه یک «کالای عمومی انحصاری ادعا شده» است (Olson, 1965, p.36).

۲-۲. معضل سواری مجانی

به تمایل افراد به بهره‌مندی از منافع یک کالای عمومی بدون پرداخت هزینه‌های تولید یا حفظ آن، معضل «سواری مجانی» گفته می‌شود (Olson, 1965, p.21-22).

۲-۳. انگیزه‌های انتخابی

مشوق‌ها یا جریمه‌های انفرادی (مثبت یا منفی) است، که برای ترغیب افراد به مشارکت در عمل جمعی طراحی می‌شوند (Olson, 1965, p.51). قرآن با طرح «تمنای موت»، یک «انگیزه انتخابی منفی» بسیار قوی (هزینه جان) را ایجاد می‌کند تا ادعای جمعی را بیازماید.

۲-۴. تمنّی

«تمنّی» از ریشه «م ن ی» است و لغت‌شناسان معتقدند که در چند معنا قابل بررسی است. به گفته ابن منظور، به صورت استعاری و به معنای تلاوت قرآن به کار رفته که بر اساس شباهت میان عمل تلاوت و عمل آرزو کردن ساخته شده است؛ یعنی آرزوهای خود را با تلاوت پیوند زده و دنبال تحقق آن است (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۹۴). از سویی، «تمنّی» تعیین و تقدیر چیزی است که اگر بیشتر از تخمین و گمان باشد، کذب و دروغ در آن بیشتر غلبه دارد؛ پس بیشتر آرزوها تصویری هستند که حقیقتی برای آنها نیست (راغب، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۹)؛ همچنین به معنای آرزو کردن یا خواستن چیزی است که وجود ندارد یا در گذشته بوده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۹). برخی تمنّی را به معنای آرزو کردن می‌دانند؛ زیرا آرزوشده، در ذهن اندازه‌گیری و مصوّر می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۶۹).

به نظر می‌رسد که معنای «آرزوی قلبی و جدی» با سیاق و فضای آیه هماهنگی بیشتری دارد. قرآن از یهود می‌خواهد که نه یک گفتار، بلکه خواسته‌ای اصیل و ناشی از ایمان را بیان کنند. بنابراین، «تمنّوا» در اینجا به معنای «آرزوی راستین و مبتنی بر اعتقاد» است، نه صرف

تمنای زبانی یا تخیل محض. این معنا با مفهوم «مباهله» و «آزمون عملی ایمان» که در تفاسیر آمده است، همسوست و به‌عنوان مبنا در تحلیل حاضر پذیرفته می‌شود.

۲-۵. موت

لغت‌شناسان معتقدند که «مَوْتُ» برحسب نوع زندگی متفاوت است؛ اول، مرگی که نیروی نامیه، یعنی رشددهندگی (در گیاه و حیوان و انسان) از بین برود؛ دوم، مرگ با از بین رفتن نیروی حواس؛ سوم، مرگی که نیروی عاقله به‌وسیله آن از بین برود و همان جهالت است؛ چهارم، اندوه و حزن مرگ‌آفرینی که زندگی را مکدر و محزون سازد؛ پنجم، خواب، که مرگ سبک و خفیف است و مرگ خواب سنگین است (راغب، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۶۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۱؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۵۴۳). در آیه مورد بحث، «مَوْتُ» به‌معنای «مرگ طبیعی و انتقال از دنیا به آخرت» است که با فضای آزمون ایمانی و اشتیاق به لقای الهی تناسب کامل دارد.

۳. بررسی شأن نزول و آیات همسو

سوره مبارکه جمعه صد و نهمین سوره در ترتیب نزول (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۷) و شصت و دومین سوره قرآن کریم است که در مدینه نازل شده (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۳۰) و دارای یازده آیه است. علت نام‌گذاری این سوره، اجتماع مردم در روز جمعه برای برگزاری نماز جمعه و اهمیت و عظمت این نماز است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۱). محتوای این سوره را می‌توان در چند بخش اصلی طبقه‌بندی کرد: ۱. تسبیح همگانی تمام موجودات؛ ۲. تبیین هدف بعثت پیامبر ﷺ و هشدار به مؤمنان برای اجتناب از انحراف از مبانی دین؛ چنان‌که یهود گرفتار شد؛ ۳. اشاره به قانون فراگیر مرگ، که راهی به‌سوی حیات ابدی است؛ ۴. سفارش مؤکد به نماز جمعه و ترک تجارت برای حضور در آن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۱۰۱). آیه ۶ سوره جمعه در توصیف یهودیان است؛ اما ضرورت آمادگی همه انسان‌ها برای مرگ را بیان می‌کند و وسیله‌ای برای سنجش مدعیان ایمان و ولایت الهی است و انحصارطلبی در امور معنوی و دینی را ممنوع اعلام می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۳۳-۳۶).

در همین زمینه، بررسی مشتقات واژه «فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ» در قرآن کریم به فهم بهتر شبکه معنایی، جایگاه کلمه و معنای آن کمک ویژه می‌کند که شرح آن در جدول ذیل آمده است.

جدول واژگان و آیات همسو

۱	تقاضای مرگ، معیار و سنجش خلوص در عبادت و اطاعت از خدا	«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (نقره: ۹۴). اگر واقعاً آخرت خاص شماست، نه سایر مردم، و شما خود راست گوی این میدان هستید، پس تمنای مرگ کنید تا زودتر به آن خانه برسید (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸۹؛ طبری، ۱۴۲۲، ج ۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۴۲).
۲	اراده مطلق الهی درباره زمان و کیفیت مرگ	«الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنِ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران: ۱۶۸). نظر و عقیده افرادی که در جنگ احد حضور نیافتند، این بود که اگر کسانی که در جنگ کشته شدند، در جنگ شرکت نمی کردند، الآن زنده بودند. خداوند فرمود: ای پیامبر! به ایشان بگو: اگر می توانید، مرگ را از خود دور کنید؛ و لازم نیست به فکر چاره مرگ دیگران باشید (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۴؛ عبده، ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۱۴۱؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۹۳).
۳	عناد و لجاجت قوم یهود و تصور برتری جویی	«الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا لَأَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّقْنِ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ فَعَبَأُوا فِي الْأَرْضِ فَحَثَا يَدَهُمْ فِي الْغُتَابِ فَقَضَوْهُمُ إِلَّا شَرًّا وَمُجَرَّمًا فَذَلِ الَّذِي يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ يَخِشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ يَحْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۸۳). ای پیامبر! به افرادی که گفتند خدا از ما پیمان گرفته است که به هیچ پیامبری ایمان نیاورید تا او قربانی آورد و در آتش بسوزد، بگو: ای یهودیان! پیش از من نیز پیامبران الهی را با اینکه معجزاتی آورده بودند، از بین بردید (مانند زکریا و یحیی علیهما السلام). پس چرا آنان را کشتید؟ (طنطاوی، ۱۹۹۷، م، ج ۲، ص ۳۵۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۹۵؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۳۰).
۴	عدم قدرت انسان در دفع مرگ یا بازگشت از آن	«فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (واقعه: ۸۷). قرآن به صراحت اشاره می کند که انسان ضعیف است و مرگ به دست خداوند است. بنابراین می فرماید: چنانچه می توانید، کسی را که مرده است، برگردانید (زنده کنید) (مراغی، بی تا، ج ۲۷، ص ۱۵۴؛ حویزی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۲۷؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۴۱).

۴. تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مفسران

در فرایند فهم دقیق آیات قرآن کریم، بررسی آرای مفسران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این بررسی علاوه بر روشن تر شدن ابعاد مختلف آیه، با ارائه قرائت‌های متعدد، امکان دستیابی به تحلیل جامع‌تری را فراهم می‌سازد. در این راستا، بخش حاضر به تحلیل و واکاوی دیدگاه‌های مفسران فریقین درباره آیه شریفه «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ

أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» می‌پردازد. هدف از این تحلیل، استخراج و طبقه‌بندی رویکردهای تفسیری مختلف، شناسایی وجوه اشتراک و افتراق، و همچنین تبیین مبانی استدلالی هر دیدگاه در پرتو چهارچوب نظری پژوهش حاضر — یعنی نظریه اقدام جمعی اولسون — است. در ادامه، مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح‌شده در تفاسیر شیعه و سنی در چهار محور اصلی دسته‌بندی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۴. مبارزه با تعلقات و دلبستگی‌های مادی

به اعتقاد برخی مفسران، کسانی که محبت واقعی خداوند متعال را در دل دارند، همواره در مسیر رهایی از تعلقات و دلبستگی‌های مادی گام برمی‌دارند و مشتاق دیدار محبوب خویش هستند. آنان برای رسیدن به مقام قرب الهی، از لذت‌های دنیوی و غرایز فاصله می‌گیرند؛ چراکه این وابستگی‌ها، حجاب‌هایی در مسیر تقرب به خداوند محسوب می‌شوند. یهودیان با وجود ادعای «ما پسران خدا و برگزیدگان خاص اویم»، در عمل به کتاب آسمانی خود پایبند نبودند. از همین رو قرآن آنان را به آزمون «تمنای مرگ» فرامی‌خواند تا نشان دهد که دلبستگی‌های دنیوی مانع راست‌گویی آنان در ادعای دوستی با خداوند است؛ زیرا کسی که حقیقتاً خدا را دوست دارد، مشتاق دیدار اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۱۱۷).

از منظر اولسون، ادعای یهود مبنی بر «برگزیدگی» و «قرب انحصاری»، ادعای دستیابی به یک «کالای عمومی» بود؛ یعنی عضویتی که منافع معنوی و اجتماعی (احترام، قدرت، و پاداش اخروی) را برای اعضای خود (قوم یهود) به‌ارمان می‌آورد؛ درحالی‌که دیگران را مستثنا می‌کرد. این دقیقاً نوعی «انگیزه انتخابی» مبتنی بر منزلت اجتماعی بود که هدف آن ایجاد انگیزه برای حفظ هویت گروهی بود. قرآن با دعوت به «تمنای مرگ»، هزینه این عضویت را به‌طور نامتعارفی افزایش داد. از نظر اولسون، یک «عضو عقلانی» حاضر است برای حفظ عضویت در یک اجتماع پرمنفعت، هزینه‌های متعارف (مانند انجام مناسک یا پرداخت مالیات) را بپردازد؛ اما زمانی که هزینه عضویت به حداکثر ممکن (جان فرد) می‌رسد، محاسبه عقلانی به کلی تغییر می‌کند. ترس از مرگ، که مفسران به‌درستی به آن اشاره کرده‌اند، یک هزینه شخصی و جبران‌ناشدنی است. هیچ نگرش عقلانی حاضر نیست این هزینه نهایی را برای حفظ یک «کالای عمومی» بپردازد؛ مگر آنکه انگیزه‌های انتخابی بسیار قوی‌تر (مانند یک باور عمیق و بی‌چون‌وچرا) وجود داشته باشد که در مورد یهود مدینه وجود نداشت. بنابراین، امتناع آنها نه لزوماً یک ریاکاری محض، بلکه نتیجه یک محاسبه عقلانی ناخودآگاه بود: «حفظ جان (به‌عنوان بالاترین نفع شخصی) بر حفظ ادعای جمعی (برگزیدگی) اولویت دارد».

در آموزه‌های تفسیری، دیدار معنوی پروردگار پاداش کسانی دانسته شده است که با رهایی از وابستگی‌های

دنیوی، تمام اندیشه و نیروی خود را صرف رسیدن به خدا کرده‌اند. این دیدار در روز قیامت اتفاق می‌افتد؛ آن‌گاه که پرده‌های مادی کنار می‌روند و حقیقت بندگی جلوه‌گر می‌شود. دلبستگان به دنیا که تمام همت خود را صرف دنیای فانی کرده‌اند، از مرگ وحشت دارند؛ چراکه مرگ پایان دنیایی است که برای آن زحمت کشیده‌اند؛ بی‌آنکه توشه‌ای برای آخرت اندوخته باشند (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۳۰). از این‌رو شدت وابستگی به دنیا را می‌توان نشانه‌ای از ناتوانی در راست‌گویی درباره ادعای محبت به خدا دانست.

این بخش از کلام مفسران، به‌زیبایی به مفهوم «هزینه - فرصت» در نظریه انتخاب عقلانی اشاره دارد. یهودیان تمام «سرمایه‌گذاری» خود را در دنیای مادی انجام داده بودند و ظلم، سرکشی، هواپرستی و پیروی از نفس از خصایص بارز آنها به‌شمار می‌رفت (حکمت و همکاران، ۱۴۰۲). از منظر آنان، مرگ به‌معنای از دست دادن کل این سرمایه و ورود به عرصه‌ای ناشناخته (آخرت) بود که برای آن «توشه‌ای» اندوخته نبوده‌اند. یک بازیگر عقلانی ترجیح می‌دهد که بر روی دارایی قطعی خود (دنیا) متمرکز بماند تا اینکه آن را برای یک دارایی نامطمئن (آخرتی که ادعای آن را دارند، اما به آن یقین ندارند) به‌خطر اندازد. این همان «ناتوانی در راست‌گویی» است که مفسران اشاره می‌کنند؛ زیرا عمل (تمنای مرگ) آشکار می‌کند که اولویت واقعی آنها (نفع شخصی مادی) با اولویت ادعایی آنها (قرب الهی) در تضاد است.

در نگاه مفسرانی چون علامه طباطبائی و بیضاوی، آیه مورد بحث مبارزه‌ای صریح با ادعای توخالی یهودیان است؛ زیرا آنان با اینکه مدعی ارتباط خاص با خداوند بودند، حاضر به پذیرفتن مرگ به‌عنوان دروازه وصال نبودند. این تضاد، نشانه‌ای از وابستگی شدید آنان به دنیا و نبود اخلاص در باور آنها بود (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۵۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۱۲). فرد صادق در ایمان، نه‌تنها به دنیا دل نمی‌بندد، بلکه با نیت پاک، در مسیر بندگی حرکت می‌کند و مشتاق لقاءالله است. این صداقت، پاداشی الهی به‌دنبال دارد و او را به مقام قرب می‌رساند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۱۸؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۳۳). از همین‌رو قوم یهود در آزمون تمنای مرگ ناکام ماندند و ناتوانی‌شان در رهایی از دلبستگی‌های مادی، پرده از دروغ بودن ادعای قرب آنان برداشت.

تحلیل این دیدگاه با چهارچوب اولسون نشان می‌دهد که تبیین مفسران از «دلبستگی مادی» به‌عنوان مانع اصلی، با منطق «حفظ نفع شخصی» در نظریه اقدام جمعی همخوانی کامل دارد (Olson, 1965, p.2). آنچه مفسران به‌عنوان «نفاق» یا «دروغ بودن ادعا» توصیف می‌کنند، از منظر اولسون «ترجیح عقلانی نفع شخصی قطعی (زندگی دنیوی) بر نفع جمعی نامطمئن (ادعای قرب)» است. قرآن کریم با این چالش، «هزینه» ادعای عضویت در گروه برگزیدگان را تا حد بسیار بالایی افزایش داد. این تحلیل نشان می‌دهد که رویکرد قرآن، یک

موعظه اخلاقی نبوده است؛ بلکه یک اقدام راهبردی برای افشای تناقض درونی موجود در ساختار انگیزشی گروهی بود که منافعش بر پایه ادعاهای انحصاری بنا شده بود.

۴-۲. امتحان الهی برای سنجش ایمان واقعی

مطابق با این دیدگاه، مفسران معتقدند که تمنای مرگ آزمونی الهی برای سنجش صداقت ایمان و عمق باورهای دینی است. بعضی بر این عقیده‌اند که این آزمون‌خواهی بر سه معنا دلالت دارد: نخست، یهودیانی که در آن زمان پیامبر خدا ﷺ آنان را به آزمایش فراخواند و با ایشان مباحله کرد، که اگر تمنای مرگ می‌کردند، همان دم جان می‌سپردند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «اگر آرزوی مرگ می‌کردند، بی‌شک همگی تا آخرین نفر می‌مردند». دوم، دوستان حقیقی خدا اگر از او بخواهند که با مرگ به لقای او برسند، به دلیل ارزش دعای آنان نزد پروردگار، خواهند مرد. سوم، مقصود از آرزو کردن در اینجا سنجشی وجدانی است، نه صرف گفتار؛ یعنی خواسته‌ای منبعث از عمق جان و دل؛ درحالی‌که یهودیان دل‌هایشان را سرشار از حب بقا کرده بودند؛ تا آنجا که حتی یک نفر از آنان تمنای مرگ نکرد؛ زیرا به آخرت کافر بودند و می‌دانستند که در آن جهان بهرهای ندارند؛ معیاری که دوستان خدا را از دیگران جدا می‌کند. در روایت کافی آمده است که مردی از ابوذر پرسید: چرا ما انسان‌ها مرگ را خوش نمی‌داریم؟ گفت: چون دنیا را آباد و آخرت را ویران کرده‌اید؛ پس کراهت دارید از آبادانی به ویرانی بروید (حویزی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۲۴؛ مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۱۸).

همین پیوند میان خلوص در عمل و آمادگی برای مرگ، نشان می‌دهد که معیار ایمان واقعی چیزی فراتر از ادعاهای ظاهری است و تنها در صورتی پذیرفته است که با عمل همراه باشد. به همین دلیل، خداوند متعال در قرآن ایمان را بارها در کنار عمل صالح می‌آورد تا این حقیقت را تثبیت کند. مفسران تأکید دارند که قوم یهود می‌گوید: اگر ما هیچ عملی انجام ندهیم، باز هم مورد بخشش خداوند قرار خواهیم گرفت و بهشت تنها برای ماست و لزومی به عمل به فرامین الهی نداریم: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى» (بقره: ۱۱۱). همین باور انحرافی، آنان را به وادی غرور و بی‌عملی کشاند؛ به گونه‌ای که به دلیل جدایی ایمان از عمل، نزد خداوند به عدم صداقت قضاوت شدند و محکوم گشتند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۲۵).

برای رسیدن به قرب الهی، خلوص در عمل مورد نیاز است؛ چراکه دوست واقعی برای رسیدن به رضایت دوستش، حتی آرزوی مرگ می‌کند. این نوعی امتحان الهی است و میزان خلوص فرد را بیان می‌کند که در مسیر پروردگار تا چه حد از خود توجه و استقامت نشان می‌دهد (امین، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۹۹). چنین اشخاصی در تمام عمر آرزوی ملاقات حق را دارند و محبت او را چون جان شیرین در دل خود می‌پرورانند و غیر از ملاقات

محبوبشان آرزوی دیگری ندارند؛ چراکه می‌دانند با مرگ، موانع طبیعی رفع می‌شود و در دنیا همین امور طبیعی جلوگیری آنهاست؛ از همین رو به مرگ اشتیاق دارند.

در این دیدگاه، «تمنای مرگ» به عنوان یک آزمون هزینه - فایده الهی طراحی شده است تا راستینی ادعای ایمان را محک بزند. یهودیان مدینه ادعا می‌کردند که خودشان تنها دوستان و اولیای خدایند و بدون نیاز به عمل صالح مستحق بهشت‌اند. این ادعا، در واقع ادعای دسترسی به یک «کالای عمومی انحصاری» بود که بدون هزینه فردی (عمل صالح، فداکاری یا آمادگی برای مرگ) به دست می‌آمد (Olson, 1965, p.2; Iannaccone, 1992).

قرآن کریم با طرح «تمنای موت»، این ادعا را در معرض یک آزمون عینی قرار داد؛ اما از آنجا که محاسبه عقلانی فردی حکم می‌کند که هیچ کس داوطلبانه حاضر به پرداخت چنین هزینه سنگینی برای یک منفعت جمعی نامطمئن نیست، یهودیان از این آزمون سر باز زدند. این امتناع، علاوه بر آشکارسازی ضعف ایمان، نمونه بارزی از معضل سواری مجانی است؛ زیرا آنان می‌خواستند بدون پرداخت هزینه عملی یا وجودی، از مزایای «ولایت الهی» بهره‌مند شوند. بر این اساس، یکی از ابعاد مهم این دستور قرآنی، ترسیم آزمونی مهم در برابر این نوع ادعاهاست که نمی‌توان هم ادعا داشت و هم اقدامی انجام نداد.

۳-۴. مواجهه سخت با ادعاهای برتری جویانه

یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های برتری طلبی قوم یهود در نگاه قرآن و مفسران، ادعای «فرزندخواندگی» و «دوستی اختصاصی با خداوند» است؛ ادعایی که بر طبق آن، خود را در مقام «برگزیدگان الهی» و برخورداران از نوعی مصونیت و امتیاز انحصاری می‌پنداشتند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴). این ادعا، در منطق قرآن ادامه همان گرایش جاهلی برتری خواهی است که نخستین بار در سخن ابلیس ظهور یافت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ...» (ص: ۷۶)؛ تا آنجا که بر اساس تلمود، خداوند به دلیل برگزیده بودن یهود، با آنان مانند ملت‌های دیگر برخورد نخواهد کرد (نیک‌دل، ۱۳۹۷). چنین منطقی در رفتار فرعونیان، اشراف مشرکان و سپس در ادعاهای قومی یهود و نصاری، به صورت الگویی تکرار شونده استمرار یافت (فقیهی، ۲۰۱۹م).

قرآن کریم دو محور اصلی این برتری طلبی را گزارش می‌کند: نخست، ادعای انتساب ویژه به خداوند: «نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ» (مائده: ۱۸) که به گفته مفسران، نوعی «حق موروث» برای نجات و ولایت الهی به شمار می‌رفت؛ اما قرآن با استدلالی روشن این باور را رد می‌کند: «فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ». گزاره دوم، توجیه رفتاری این برتری جویی در عرصه اجتماعی است: «لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ» (آل عمران: ۷۵). طبرسی و دیگر

مفسران یادآور شده‌اند که برخی یهودیان تعدی به حقوق غیر یهود را مجاز می‌شمردند و مسئولیت اخلاقی را تنها محدود به درون جامعه خود می‌دانستند (طبرسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲). قاسمی این نگرش را «نظام حقوق دوگانه» می‌نامد که پیامد آن، شکل‌گیری شخصیتی جمعی و برتری‌خواه بر پایه نفی دیگران است (قاسمی، ۱۳۸۹). همین روحیه سبب شد که آنان دیگر اقوام را «امّی»، «جاهل» و بدون ارزش دینی تلقی کنند و از رعایت احکام الهی در برابر آنان سر باز زنند (سید قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۳۵۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۱۷۳).

قرآن این منطق را نه تنها در سطح رفتار، بلکه در سطح تاریخی نیز نقد می‌کند. در سوره اسراء از «فساد» و «علوّ کبیر» بنی اسرائیل سخن می‌گوید (اسراء: ۴) و در آل عمران، کفر به آیات الهی و قتل پیامبران را خصیصه پایدار آنان معرفی می‌کند (آل عمران: ۲۱). شواهد عهد عتیق، مانند اعتراف دانیال نبی به سرکشی عمومی بنی اسرائیل نیز این تحلیل را تأیید می‌کند (کتاب دانیال، ۲۰۱۹م، باب ۹). افزون بر آن، برتری‌جویی یهود در حوزه فرهنگی - هویتی نیز به صورت انزواطلبی شدید، شکل‌گیری محله‌های بسته و تمایز تند «ما / دیگران» ظهور یافته و در برخی گفتمان‌های درون‌دینی، غیر یهود در جایگاهی تحقیرآمیز تصویر شده است (قاسمی، ۱۳۸۹). قرآن نیز این نزاع فرقه‌ای را نقد می‌کند: «لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ...» و «لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ» (بقره: ۱۱۳).

در منابع اسلامی، این خوی برتری‌طلبی ریشه در بیماری اخلاقی و روانی دارد. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه قاصعه پیروی از سران متکبر و سالاران تعصب را نکوهش می‌کند و آنان را ستون‌های فتنه می‌خواند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ و ۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۹۱-۳۹۸). امام صادق (ع) نیز اساس تکبر را «احساس پستی درونی» معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ مطهری، ۱۴۴۵ق، ص ۱۸۴). برخی این نکته را به تاریخ طولانی آوارگی و تحقیر یهود پیوند می‌زنند و آن را زمینه‌ساز پیدایش «عقدۀ حقارت جمعی» می‌دانند که در قالب «قوم برگزیده» بازتولید شده است (قاسمی، ۱۳۸۹).

در چنین بستری، آیه شریفه یک خطاب ساده قلمداد نمی‌شود؛ بلکه مواجهه سخت و راهبردی قرآن با ادعای برتری‌جویانه آنان به شمار می‌آید. مبتنی بر نظریه «اقدام جمعی» مانکور اولسون، یهودیان مدینه مانند یک «گروه ذی‌نفع خاص» عمل می‌کردند که مدعی دسترسی انحصاری به کالایی عمومی چون «ولایت الهی» و «نجات» بودند؛ اما هزینه‌های اخلاقی و معنوی آن را نمی‌پذیرفتند (Olson, 1965, p.14-15). قرآن با دعوت آنان به تمنای موت، این ادعا را در برابر یک آزمون «هزینه - فایده» قرار داد و نشان داد که ادعای آنان فاقد پشتوانه عملی و ایمانی است. به تعبیر اولسون، وقتی هزینه دفاع از یک ادعا بالا می‌رود، «نفاق ساختاری» آشکار

می شود (Olson, 1965, p.21 & 133-134).

مفسران نیز تصریح کرده اند که امتناع یهود از این تمنا ناشی از وابستگی عمیق آنان به دنیا و بی اعتمادی به دعوی خویش بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۹). آیت الله خامنه ای - رضوان الله تعالی علیه - نیز نشان می دهد که همین امتناع، فروپاشی ادعای دوستی اختصاصی آنان با خدا را اثبات می کند (حسینی خامنه ای، ۱۴۰۱، ص ۱۰۲-۱۰۳). در نتیجه مبتنی بر دیدگاه اولسون، مواجهه قرآنی با یهود، افشای ساختاری بود که بر پایه امتیازطلبی بدون مسئولیت، توهم خودبرتربینی و محاسبه گری سودجویانه شکل گرفته بود. قرآن با بالا بردن هزینه این ادعا تا مرتبه جان، درونی ترین لایه های این برتری جویی را آشکار کرد و نشان داد که گزاره «أُولَیَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ» چیزی جز یک ادعای بی پشتوانه و ابزاری برای کسب امتیازات اجتماعی و اقتصادی نبوده است.

۴-۴. تجلی مباحله با یهود

در زمان پیامبر اکرم ﷺ، اگر فرد یا افرادی برخلاف دستور آن حضرت حرف یا عملی را در بین مردم رواج می دادند، آن حضرت آنها را به مباحله فرامی خواندند تا دروغ گویی آنان را اثبات کنند و بنا به وعده الهی، حق را از باطل جدا سازند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۷). مباحله به معنای ایستادن دو گروه مقابل یکدیگر و دعا کردن به درگاه خدا برای عذاب گروه دروغ گو است. اگر پیامبر اسلام ﷺ فردی را به مباحله دعوت می کرد، وی از ترس عواقب آن امتناع می جست و این نشان می دهد که آنها در دل به حقانیت پیامبر ﷺ و دین اسلام معترف بودند. لذا در این ماجرا، فرمان داده می شود: ای یهود! اگر ادعا می کنید که شما بر حقی از سوی پروردگارتان هستید و محمد ﷺ و یارانش بر باطل اند، پس مرگ را بر باطل کاران از هر دو گروه بخواهید. پیش از این نیز در سوره بقره درباره مباحله (لعن) با یهود چنین آمده است: «بگو: اگر شما دارای آخرتی نزد خدا هستید که از همه مردم جدای شماست، پس اگر راست گوئید، مرگ را بخواهید». همچنین در سوره آل عمران مباحله با نصارا ذکر شده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱). مباحله با مشرکان نیز در آیهای دیگر آمده است: «بگو: هر که بر باطل است، خداوند بر او بلا بیفزاید» (مراغی، بی تا، ج ۲۸، ص ۹۹).

نتیجه مباحله با یهودیان این شد که آنان از مباحله انصراف دادند. در روایتی که از ابن عباس نقل شده، آمده است: اگر یهودیان به آرزوی مرگ خود عمل می کردند، بی درنگ می مردند و جایگاه خویش را در آتش می دیدند. همچنین نقل است که اگر مخالفان پا در عرصه مباحله با رسول خدا ﷺ می نهادند، با عذابی الهی روبه رو می شدند که هیچ خانواده و مالی برایشان باقی نمی گذاشت. از نگاه برخی مفسران، این آیه درباره یهودیان و مسیحیان

و مشرکان و همچنین درباره مباحله و ملاعنه بین آنهاست (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۹۱). به این ترتیب، تجلی مباحله با یهود، نه تنها یک واقعه تاریخی، بلکه ابزاری الهی برای افشای باطل گویان و اثبات حقانیت نبوت بود. یهودیان با وجود ادعای نزدیکی به خداوند، از چنین مقابله‌ای روی گرداندند و همین امتناع، نشان‌دهنده پوچی باورهای ظاهری آنان و ناتوانی‌شان در اثبات ادعاهای برتری‌جویانه‌شان بود.

در تحلیل رفتارشناسی قرآنی، «مباحله» به عنوان یک سازوکار الهی برای جداسازی حق از باطل و افشای ادعاهای بی‌پایه به کار رفته است. مباحله در اصل، دعوت متقابل دو گروه به درخواست لعن و عذاب الهی برای طرف دروغ‌گوست که در آیاتی همچون آیه ۶۱ سورة آل عمران به روشنی تبیین شده است. در مواجهه با یهود مدینه، قرآن با طرح «تمنای موت» - که در حکم نوعی مباحله فردی است - آنان را در معرض آزمونی عینی قرار می‌دهد تا راستینی ادعای «ولایت انحصاری» شان محک زده شود. بنابراین، امتناع یهود از مباحله یا تمنای مرگ، نه یک شکست اعتقادی، بلکه یک «شکست عقلانی در آزمون هزینه - فایده» بود که قرآن با هوشمندی آن را طراحی کرده بود. این تحلیل، علاوه بر غنابخشی به فهم تاریخی - تفسیری آیه، نشان می‌دهد که چگونه قرآن با به کارگیری سازوکارهای عینی و قابل سنجش همچون مباحله، ساختارهای پنهان رفتار جمعی را آشکار می‌سازد. اینجاست که معضل اقدام جمعی آشکار می‌شود: هیچ کس حاضر نیست هزینه شخصی مرگ را برای حفظ یک ادعای جمعی بپردازد؛ مگر آنکه به طور قطعی بداند که حق با اوست (Olson, 1965, p.2, 21 & 35). یهودیان برخلاف ادعایشان به این قطعیت نرسیده بودند؛ لذا ترجیح دادند که از مباحله سر باز زنند.

۵. خوانش تطبیقی آیه و نظریه

خوانش آیه مبتنی بر بررسی نظریه «اقدام جمعی» مانکور اولسون اجازه می‌دهد که رفتار یهود را در وضعیت تمنای مرگ به عنوان یک پدیده اجتماعی با سازوکار انگیزشی خاص توضیح دهیم.

۵-۱. چهارچوب نظری پایه: معضل اقدام جمعی و آزمون هزینه - فایده

در این چهارچوب، هر ادعای جمعی زمانی در بوته آزمون قرار می‌گیرد که افراد ناچار شوند برای اثبات آن، هزینه‌ای کاملاً شخصی بپردازند. درخواست قرآن برای تمنای مرگ، لحظه‌ای را ایجاد می‌کند که هر فرد باید میزان تعهد واقعی خود را در قبال ادعای گروهی آشکار کند. نظریه اولسون پیش‌بینی می‌کند در شرایطی که هزینه فردی قطعی و سنگین باشد و منفعت ادعایی در سطح گروهی قرار گیرد، افراد معمولاً انگیزه‌ای برای پرداخت هزینه پیدا نمی‌کنند.

این محاسبه فردی شرط اصلی شکست اقدام جمعی است؛ زیرا «حتی اگر همه اعضای یک گروه، عقلایی و هدفمند باشند و حتی اگر همه آنان بدانند که کسب یک هدف به سود همه است، بازهم الزاماً برای کسب آن

هدف دست به اقدام جمعی نخواهند زد» (Olson, 1965, p.2). این همان منطق حاکم بر تصمیم هر فرد یهودی بود. واکنش یهود با همین الگوی رفتاری قابل توضیح است. تمنای مرگ را می‌توان یک «آزمون عملی ادعا» دانست. این آزمون امکان پنهان شدن پشت شعارهای جمعی را از بین می‌برد و نشان می‌دهد که ادعای برگزیدگی زمانی اعتبار دارد که افراد آمادگی داشته باشند مسئولیت و پیامدهای شخصی آن را بپذیرند.

به کارگیری هزینه‌ای حداکثری مانند مرگ، لایه پنهان ادعا را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که ساختار انگیزشی گروه تا چه اندازه توان الزام اعضا را دارد. خوانش اولسونی نشان می‌دهد که تمنای مرگ به نوعی افشای شکاف میان گفتار جمعی و کنش فردی است. در هر ساختاری که امتیاز گروهی مطرح می‌شود، اگر سازوکار مشارکت اجباری وجود نداشته باشد، افراد از اعتبار ادعا بهره می‌برند؛ اما توقعی برای هزینه‌پذیری شخصی شکل نمی‌گیرد. در چنین وضعی، ادعای جمعی تا زمانی پایدار می‌ماند که به مرحله عمل نرسد.

۵-۲. توسعه تحلیل با نظریه انتخاب عمومی: مطلوبیت، کالاهای عمومی و نهادها

در تکمیل این تحلیل و با بهره‌گیری از چهارچوب نظریه انتخاب عمومی (Public Choice Theory) به عنوان نظریه‌ای مقارن و مکمل، می‌توان ابعاد دیگری از این واقعه را روشن کرد.

نظریه انتخاب عمومی که ریشه در آثار اقتصاددانانی مانند جیمز بوکانن دارد، اصول اقتصاد خرد (عقلانیت فردی، و حداکثرسازی مطلوبیت) را به حوزه‌های تصمیم‌گیری سیاسی و جمعی تعمیم می‌دهد (Buchanan & Tullock, 1962, p.11-13). در این چهارچوب، ادعای یهود مبنی بر «أُولِيَاءُ لِلَّهِ» بودن، ادعای دسترسی به یک «بسته مطلوبیت انحصاری» است که هم منافع این جهانی (منزلت، قدرت اجتماعی، تمایز) و هم منافع و راندنیایی (نجات قطعی) را شامل می‌شود. کنشگران در حوزه دین و باورهای جمعی نیز به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت شخصی خود هستند؛ حتی اگر این مطلوبیت شامل منافع نمادین، هویتی یا اخروی باشد (Buchanan, 1975. p.1-4).

یکی از توسعه‌های نظریه انتخاب عمومی، تحلیل ایده‌ها و باورها به عنوان «کالای عمومی» است (North, 1990, p.36-37). ادعای انحصاری یهود، یک ایده کالای عمومی بود که مصرف آن توسط یک فرد، از مصرف دیگران کم نمی‌کرد؛ اما قرآن با چالش تمنای موت، آن را به یک «کالای عمومی با هزینه اثبات خصوصی و حداکثری» تبدیل کرد. برای اعتبار عملی این باور، دست کم باید هزینه خصوصی و نهایی مرگ پرداخت می‌شد. اینجاست که مسئله اصلی از مصرف باور، به تأمین دلیل عینی برای صحت آن تغییر می‌یابد. اولسون تأکید می‌کند که مشکل اصلی، تأمین کالای عمومی است: «مسئله این است که اگر کالای عمومی تولید شود، همه اعضای گروه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند؛ چه در تولیدش مشارکت کرده باشند،

چه نه» (Olson, 1965, p.14). قرآن با الزام به پرداخت هزینه اثبات (مرگ)، عملاً «تولید» این کالای عمومی (اعتبار ادعا) را منوط به مشارکتی پرهزینه کرد که هیچ کس حاضر به انجام آن نبود.

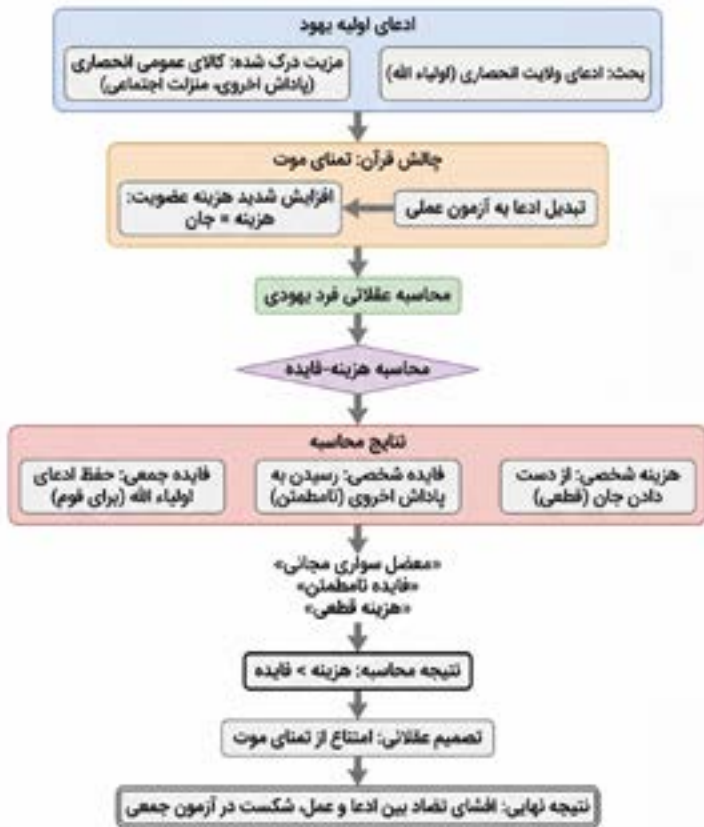
نظریه انتخاب عمومی همچنین به تحلیل نقش رهبران و نخبگان در بسیج گروه می‌پردازد (Buchanan & Tullock, 1962, p.286-288). رهبران مذهبی یهود که از منافع ویژه ناشی از هدایت این گفتمان انحصاری برخوردار بودند، در شرایط عادی می‌توانستند با ارائه انگیزه‌های انتخابی درون گروهی، همبستگی ظاهری گروه را حفظ کنند. اولسون برای رهبران نقشی محوری قائل است و معتقد است که آنان گاهی می‌توانند با بهره‌گیری از انگیزه‌های انتخابی، اقدام جمعی را ممکن سازند (Olson, 1965, p.133-134)؛ اما آزمون قرآن کارایی این نهادهای درون گروهی و رهبری را به‌چالش کشید. وقتی هزینه اثبات ادعا به سطح «جان» ارتقا یافت، هیچ یک از سازوکارهای انگیزشی درون گروهی یهود نتوانست بر محاسبه عقلانی غریزه بقا غلبه کند. دستگاه‌های نهادی درون گروه توان هماهنگ‌سازی منافع فردی و جمعی را در مواجهه با چنین هزینه وجودی از دست دادند.

۳-۵. نتیجه‌گیری تحلیلی: قرآن به مثابه مهندس اجتماعی هوشمند

این بازخوانی، ظرفیت آیه را برای تحلیل رفتار اجتماعی نمایان می‌کند. در این تحلیل، مفهوم هزینه و منفعت، نقش انگیزه‌های فردی، شکست نهادهای هماهنگ‌کننده جمعی، و نحوه فروپاشی ادعاهای جمعی در شرایط مشارکت واقعی برجسته می‌شود. این سطح از تبیین امکان می‌دهد که واقعه یادشده فراتر از یک گزارش تاریخی فهم شود و در جایگاه نمونه‌ای از سازوکارهای رایج در رفتار گروه‌های صاحب ادعای انحصاری قرار گیرد.

چنین برداشتی زمینه گفت‌وگوی دقیق‌تر میان مطالعات تفسیری و نظریه‌های علوم اجتماعی را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که متن قرآن در مواردی قابلیت تبیین پدیده‌های جمعی را در قالب الگوهای قابل تحلیل داراست. خوانش حاضر با تلفیق هسته مرکزی نظریه اولسون (معضل سواری مجانی و هزینه — فایده فردی) و بینش‌های نظریه انتخاب عمومی (تحلیل مطلوبیت چندلایه، نقش نهادها و تغییر قواعد بازی)، نشان می‌دهد که رویکرد قرآن، یک مهندسی اجتماعی هوشمندانه برای افشای تناقض ذاتی در هر نظام باور انحصاری‌ای است که سعی دارد منافع جمعی نمادین را بدون تکالیف فردی سنگین و وجودی تأمین کند.

نمودار مفهومی و تطبیقی تمنای موت



نتیجه گیری

بررسی آیه ۶ سورة جمعه نشان داد که «تمنای مرگ» در این آیه، یک تعبیر خطابی یا اخلاقی ساده نیست و نقش یک محک جدی برای سنجش صداقت ادعای یهود را ایفا می‌کند. مطالعه تفاسیر شیعه و سنی نشان داد که مفسران، آیه را در چند محور اصلی توضیح داده‌اند: سنجش دلبستگی‌های دنیوی؛ آزمون ایمان؛ نقد برتری‌خواهی دینی؛ و پیوند آیه با سنت مباحله. تحلیل این محورها در کنار نظریه اقدام جمعی اولسون نشان داد که ساختار رفتاری قوم یهود در برابر این چالش، با الگوی «محاسبه

شخصی» و «گریز از هزینه» قابل تبیین و بررسی است.

پژوهش نشان داد که به کارگیری نظریه اقدام جمعی می‌تواند مفاهیم تفسیری را روشن‌تر کند و لایه‌های رفتاری نهفته در آیه را برجسته سازد. در این خوانش، ادعای یهود درباره «ولایت الهی» در قالب دسترسی به نوعی منفعت جمعی توضیح داده می‌شود؛ منفعتی که بدون پذیرش مسئولیت عملی و بدون تقبل هزینه دنبال می‌شد. دعوت به تمنای مرگ، این ادعا را به یک آزمون عملی تبدیل کرد و نشان داد که میان گفته و خواسته یهود، شکافی جدی وجود دارد. این برخورد قرآن الگویی کارآمد برای بررسی ادعاهای دینی و اجتماعی است که ظاهر پرننگ دارند، اما پشتیبان عملی ندارند. به این ترتیب، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تفسیر سنتی و نظریه‌های علوم اجتماعی، هر یک بخشی از تصویر و معنا را کامل می‌کنند و ترکیب آن دو، امکان فهم دقیق‌تری از منطق رفتاری گروه‌های دینی در منظومه قرآنی را فراهم می‌آورد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده:

۱. بررسی آیات دیگری که در آنها ادعای دینی با یک آزمون عینی مواجه می‌شود، با استفاده از نظریه‌های انتخاب عقلانی، نظریه بازی‌ها یا الگوهای هویت اجتماعی.
۲. مطالعه رفتار جمعی دیگر گروه‌های دینی در قرآن از منظر جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی.
۳. تدوین چهارچوبی برای تحلیل کنش جمعی در قرآن که بتوان آن را در مواردی مانند نفاق، انفاق یا رفتار قبیله‌ای نیز به کار برد.
۴. مقایسه واکنش گروه‌های دینی در قرآن با نمونه‌های مشابه در متون یهودی و مسیحی برای روشن‌تر شدن موقعیت این آیه در مطالعات تطبیقی ادیان.

منابع

قرآن کریم.

نهیج البلاغه.

ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم والمحیط الاعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.

امین، نصرت بیگم (بی تا). *مخزن العرفان*. تهران: نهضت زنان مسلمان.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل واسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). *الکشف والبیان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱). *تفسیر سوره جمعه*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

حکمت، مهری؛ کهنساری، رضا و طاهری آکردی، محمدحسین (۱۴۰۲). ریشه‌ها و عوامل انحطاط اخلاقی یهود از منظر قرآن کریم. معرفت/ادیان، ۱۴(۳)، ۵۸-۳۹.

حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۷۳). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن. تهران: مرتضوی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیه.

زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج*. بیروت: دار الفکر المعاصر.

سید قطب (۱۴۰۸ق). *فی ضلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *جوامع الجامع*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران: فراهانی.

طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۲۲ق). *تفسیر طبری*. بیروت: دار المعرفه.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.

طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. قاهره: نهضة مصر.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عیده، محمد (۱۴۲۷ق). *الاعمال الکامله*. مصر: دار الشروق.

فخاری، علیرضا و ابراهیمی، لیلا (۱۳۹۴). نقد و بررسی ادعای برتری یهود بر سایر ملل از منظر قرآن کریم. آموزه‌های قرآنی، ۱۲(۲۱)، ۹۸-۷۹.

فراتی، معصومه و لطفی، محمد مهدی (۱۳۹۷). تحلیل قرآن‌شناختی خودبرتربینی یهود. مفتاح (مطالعات تفسیری و

معناشناختی قرآنی)، ۲(۴)، ۱۹-۱۰۱.

فقیهی، فضل‌الرحمن (۲۰۱۹م). برتری جویی قومی؛ در آیینۀ تاریخ و قرآن کریم. سایت *المفاحون*. (۱۵ نوامبر). قابل دسترس در: https://almoflihun.com/bartare-qawme/amp/?utm_source=chatgpt.com

. آذرماه ۱۴۰۴. تاریخ دسترس: almoflihun.com/bartare-qawme/amp/?utm_source=chatgpt.com

فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۳۷۳). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.

قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق). *محاسن التأویل*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

قاسمی، سلمان (۱۳۸۹). *ردپای سامری: انحرافات اجتماعی در شخصیت قومی یهود*. اصفهان: کیاراد.

قزائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب اسلامیه.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.

قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

کتاب مقدس (عهد عتیق) (۲۰۱۹م). *کتاب دانیال نبی*. ترجمۀ قدیم فارسی. تهران: انتشارات ایلام.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

مراغی، احمد مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار الفکر.

مطهری، مرتضی (۱۴۴۵ق). *فلسفۀ اخلاق*. تهران: صدرا.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسۀ فرهنگی انتشاراتی التمهید.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. تهران: دار الکتب الاسلامی.

مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفۀ حجج الله علی العباد*. قم: مؤسسۀ آل البيت علیهم‌السلام.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام*. قم: مدرسۀ الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.

نیکدل، محمدجواد (۱۳۹۷). *اخلاق یهودی: قوم‌محور یا بشریت‌محور؟*. معرفت/ادیان، ۲(۹)، ۵۷-۷۲.

Buchanan, James M. & Tullock, Gordon (1962). *The Calculus of Consent: Logical Foundations of Constitutional Democracy*. Indianapolis: Liberty fund.

Buchanan, James M. (1975). *The Limits of Liberty: Between Anarchy and Leviathan*. Chicago: University of Chicago Press.

Chaney, E. (2016). *Religion and the rise and fall of Islamic science* [Working paper]. Department of Economics. Cambridge MA: Harvard University.

Coleman, James S. (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge: Harvard University Press.

Iannaccone, L. R. (1992). Sacrifice and stigma: Reducing free-riding in cults, communes,

and other collectives. *Journal of Political Economy*, 100(2), 271-291.

North, Douglass C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge. UK: Cambridge University Press.

Olson, Mancur (1965). *The logic of collective action: Public goods and the theory of groups*. Cambridge. Massachusetts: Harvard University Press.

References

The Holy Qur'an.

Nahj al-Balāgha.

Ibn Sidah, Ali ibn Ismail (2000 CE). *Al-Muḥkam wa al-Muḥīt al-A'zam*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (n.d.). *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dar al-Fikr.

Amin, Nusrat Begum (n.d.). *Makhzan al-'Irfān*. Tehran: Nahzat-e Zanān-e Mosalmān.

Baydawi, Abdullah ibn Umar (1997 CE). *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

Tha'labi, Ahmad ibn Muhammad (2001 CE). *Al-Kashf wa al-Bayān*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2022). *Tafsīr-e Sūrat-e Jumu'a*. Tehran: Entesharat-e Enqelab-e Eslami.

Hekmat, Mehri; Kahsari, Reza; and Taheri Akordi, Mohammad Hossein (2023). "The Roots and Factors of the Moral Degeneration of the Jews from the Perspective of the Holy Qur'an." *Ma'rifat-e Adyan*, 14(3), 39–58.

Huwayzi, Abd Ali ibn Jum'a (1994). *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*. Qom: Ismailian.

Raghib Isfahani, Hussein ibn Muhammad (1995). *Tarjomeh va Taḥqīq-e Mofradāt-e Alfāz-e Qur'ān*. Tehran: Mortazavi.

Raghib Isfahani, Hussein ibn Muhammad (1991 CE). *Mufradāt Alfāz al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Shamiyya.

Zuhayli, Wahba (1997 CE). *Al-Tafsīr al-Munīr fī al-'Aqīda wa al-Sharī'a wa al-Manhaj*. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir.

Sayyid Qutb (1987 CE). *Fī Zilāl al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Shuruq.

Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (1983 CE). *Al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi-al-Ma'thūr*. Qom: Maktabat Ayatollah al-Uzma al-Mar'ashi al-Najafi.

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1999). *Tafsīr al-Mīzān*. Trans. Seyyed

Mohammad Baqer Mousavi Hamadani. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom, Islamic Publications Office.

Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1998). *Jawāmi‘ al-Jāmi‘*. Mashhad: Islamic Research Foundation.

Tabarsi, Fazl ibn Hasan (n.d.). *Tarjomeh-ye Tafsīr-e Majma‘ al-Bayān*. Tehran: Farahani.

Tabari, Muhammad ibn Jarir ibn Yazid (2001 CE). *Tafsīr al-Ṭabarī*. Beirut: Dar al-Ma‘rifa.

Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad (1996). *Majma‘ al-Baḥrayn*. Tehran: Mortazavi.

Tantawi, Muhammad Sayyid (1997 CE). *Al-Tafsīr al-Wasīṭ lil-Qur’ān al-Karīm*. Cairo: Nahdat Misr.

Tusi, Muhammad ibn Hasan (1992 CE). *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

Abduh, Muhammad (2006 CE). *Al-A‘māl al-Kāmila*. Egypt: Dar al-Shuruq.

Fakhari, Alireza, and Ebrahimi, Leila (2015). “A Critique and Examination of the Claim of Jewish Superiority over Other Nations from the Perspective of the Holy Qur’an.” *Āmūzeh-hā-ye Qur’ānī*, 12(21), 79–98.

Farati, Masoumeh, and Lotfī, Mohammad Mahdi (2018). “A Qur’anic Analysis of Jewish Self-Superiority.” *Miftāḥ (Qur’anic Exegetical and Semantic Studies)*, 2(4), 101–119.

Faqihi, Fazl al-Rahman (2019 CE). “Ethnic Supremacism in the Mirror of History and the Holy Qur’an.” *Al-Muflihun Website*. (November 15). Available at: <https://almoflihun.com/bartare-qawme/amp/>. Accessed: December 2025.

Feyz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtada (1994). *Tafsīr al-Ṣāfi*. Tehran: Maktabat al-Sadr.

Qasimi, Jamal al-Din (1997 CE). *Maḥāsīn al-Ta’wīl*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.

Qasimi, Salman (2010). *Radd-e Pāy-e Sāmerī: Enḥerāfāt-e Ejtemā‘ī dar Shakhṣiyyat-e Qowmī-ye Yahūd*. Isfahan: Kiarad.

Qara’ati, Mohsen (2009). *Tafsīr-e Nūr*. Tehran: Cultural Center for Lessons from the Qur’an.

Qurashi, Ali Akbar (1992). *Qāmūs-e Qur’ān*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Qurashi, Ali Akbar (1998). *Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth*. Tehran: Bi’tthat Foundation.

Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1985). *Al-Jāmi‘ li-Aḥkām al-Qur’ān*. Tehran: Naser

Khosrow.

The Bible (Old Testament) (2019 CE). The Book of Daniel the Prophet. Old Persian Translation. Tehran: Ilam Publications.

Kulini, Muhammad ibn Yaqub (1987 CE). Al-Kāfī. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Modarresi, Mohammad Taqi (1998). Tafsīr-e Hedāyat. Mashhad: Islamic Research Foundation.

Maraghi, Ahmad Mustafa (n.d.). Tafsīr al-Marāghī. Beirut: Dar al-Fikr.

Motahhari, Morteza (2023 CE). Falsafeh-ye Akhlāq. Tehran: Sadra.

Ma'rifat, Mohammad Hadi (2009). Al-Tamhīd fī 'Ulūm al-Qur'ān. Qom: Al-Tamhid Cultural and Publishing Institute.

Mughniyeh, Muhammad Jawad (2003 CE). Al-Tafsīr al-Kāshif. Tehran: Dar al-Kitab al-Islami.

Mufid, Muhammad ibn Muhammad (1992 CE). Al-Irshād fī Ma'rifat Hujaj Allāh 'alā al-'Ibād. Qom: Mu'assasat Al al-Bayt.

Makarem Shirazi, Naser (1995). Tafsīr-e Nemūneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Makarem Shirazi, Naser (2011). Payām-e Imam Amīr al-Mu'minīn. Qom: Madrasat al-Imam Ali ibn Abi Talib.

Nikdel, Mohammad Jawad (2018). "Jewish Ethics: Ethnocentric or Humanity-Centered?" Ma'rifat-e Adyan, 9(2), 57–72.